

اگر کسی که با مفاهیم انقلاب اسلامی و آموزه الهی امام آشنایی داشته باشد این متن را بخواند، احساس می‌کند در یک کشور سکولار تدوین شده است، نه یک کشور اسلامی با معارف بلند و با افق بلند تمدن اسلامی

ملتها و دولت‌هاست. اگر به این مسأله توجه شود، خیلی از مشکلات و مسائل برای ما شفاف می‌شود. بدین معنا که بزرگترین نقطه قوت این طرح در صورت اصلاح، این است که نشان می‌دهد نظام مقدس جمهوری اسلامی ایرانی به بلوغ سیاسی خودش رسیده است؛ در واقع یک مجموعه وقتی به بلوغ فکری و عقلی می‌رسد که بتواند در سیاستگذاری پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های خودش را در عرصه جهانی و بین‌المللی تشخیص بدهد، لذا این از معیارهایی است که قانونگذار محترم باید روی آن دقت کافی را داشته باشد. درباره نقاط ضعف طرح نیز این‌گونه عرض کنم که به طور خلاصه بر انتخاب عنوان سازمان انتقاداتی وارد است، بر ساختار سلسله مراتب سیاسی سازمان که قرار است زیر نظر وزارت کشور باشد، انتقاداتی وارد است. اما یکی از معایب کلان و گسترده طرح، همان‌طور که آقای دکتر زهرایی نیز اشاره کردند، بحث سیاست بازگشت است. با آن پیش‌زمینه‌ای که در مورد جنگ‌های ترکیبی و نگاه جهان‌وطنی مطرح شد، نتیجه می‌گیریم که در اینجا تصمیم‌گیرندگان باید به نوعی با مسأله مواجه شوند که در نهایت مسأله به نفع مجموعه فارسی‌زبانان با فرهنگ‌های مختلف خاتمه پیدا کند. در حالیکه کشورهای رقیب در این حوزه فعالانه قانونگذاری و حرکت می‌کنند، مثلاً در عرصه بین‌المللی حضور مهاجران در تیم‌های ملی خیلی پررنگ است، ما به این مسائل توجه جدی نداشته‌ایم. حتی تداوم این نگاه ظرفیت‌محور نسبت به مهاجرین می‌تواند در جنگ اقتصادی و در مقابله با تحریم‌های امریکانیز مؤثر باشد.

جایگاه عموم مردم مهاجر در این طرح کجاست؟

حجت‌الاسلام سیدنا الله ظهوری: اگر کسی که با مفاهیم انقلاب اسلامی و آموزه الهی امام آشنایی داشته باشد این متن را بخواند، احساس می‌کند در یک کشور سکولار تدوین شده است، نه یک کشور اسلامی با معارف بلند و با افق بلند تمدن اسلامی. اگرچه کشورهای سکولار هم منفعت را امری دوجانبه می‌بینند، اما در این نوشتار به منفعت به عنوان یک امر یکجانبه نگاه شده است و کلاً نگاه حاکم بر آن، مادی است.

یک تذکر جدی هم دارم به همه دوستانی که حضور دارند، که این قضیه را ساده نبینیم، از قانون قبلی ۹۱ سال می‌گذرد؛ آمدیم و این قانون هم تا سال‌ها رفت و اجرائی شد، آنوقت چه کنیم؟

نگاه حمایت از عموم مردم در این نوشتار کجاست؟ من با ویژه خواندن نخبگان و خواص مشکل دارم؛ چرا خواص مزایای ویژه داشته باشند؟ فقط سرمایه‌گذاران و نخبگان هنری و علمی باید خاص در نظر گرفته شوند؟ پس مردمی که نخبه‌پرور بوده‌اند چه می‌شوند؟ نکته دیگر اینکه از نظر بنده این سازمان اگر زیرمجموعه وزارت کشور باشد، هیچ فرقی با اداره اتباع موجود نخواهد داشت. در این صورت نگاه‌ها، متولیان و محدودیت‌های این سازمان جدید نیز تفاوتی با قبل نخواهد داشت؛ فقط صرفاً این تغییر ایجاد می‌شود که تا الان امور با بخشنامه پیش می‌رفته است و از این به بعد با قانون مجلس اداره می‌شود. چرا این سازمان، مستقیم زیر نظر ریاست جمهوری نیاید؟ چرا مثل سازمان برنامه، رئیس سازمان معاون رئیس جمهور با اختیارات وسیع‌تر نباشد؟ مسائل و چالش‌های ساختاری را باید با نگاه بلندمدت حل کرد، با توجه به تغییر رئیس جمهوری و با تغییر وزرا باید درباره ساختار سازمان اظهار نظر کرد.